

عنوان مقاله:

کارکرد وصف در ساختار روایی رمانهای العالم ناقصا واحد و غنیمت

محل انتشار:

کاوش نامه ادبیات تطبیقی، دوره 10، شماره 4 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

طاهره فلاحی - کارشناسارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مریم رحمتی ترکاشوند - استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

شهریار همتی - دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

خلاصه مقاله:

دو داستان العالم ناقصا واحد اثر میسلون هادی و غنیمت نوشته صادق کرمیار، ازجمله داستان‌های معاصر عراق و ایران درزمینه ادبیات جنگ هستند که نویسندگان آن‌ها به شیوه‌ای هنرمندانه برای انتقال هدف ومضامین مورد نظر خود به مخاطب، از ابزار توصیف بهره گرفته ومضامین فلسفی وانسانی درخصوص مرگ وزندگی و جنگ را بیان کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و براساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی که به بعد زیبایی‌شناسی اثر می‌پردازد و با هدف کشف کارکردهای وصف در ترسیم چارچوب داستانهای پیش‌گفته، کارکرد این الگوی روایی در ساختار داستان‌های یادشده (شخصیت، زمان و مکان) را بررسی تطبیقی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ازآنجاکه داستان العالم ناقصا واحد، تنها بر محور حادثه مشخصی می‌چرخد، بنابراین وجه وصفی آن بر جنبه روایی‌اش غلبه دارد و درمقابل پرداختن به رویدادها و حوادث متعدد و مختلف در داستان غنیمت، باعث شده است که وجه روایی آن بر وجه وصفی‌اش غالب باشد. توصیف در داستان میسلون هادی، با کارکردهای شناختی، توضیحی و تفسیری، واقع‌نمایی، زیبایی‌شناختی و نمادین حوادث داستان را پیش می‌برد؛ اما در داستان غنیمت، بیشتر توصیفات موجود در داستان، کارکردی واقع‌نمایی و شناختی دارند. صادق کرمیار، برخلاف میسلون هادی، در توصیف شخصیت‌ها، از فن لحظه‌پردازی استفاده کرده و آنچه خود انجام داده یا گفته است را در توصیفاتش بیان می‌کند.

کلمات کلیدی:

ادبیات تطبیقی، روایت‌شناسی، وصف، صادق کرمیار، میسلون هادی، غنیمت، العالم ناقصا واحد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1187945>

